

## نقد رویکردهای پژوهشی در مقالات علمی-پژوهشی حوزه مطالعات غرب آسیا در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸؛ آرایه رویکردی بدیل

امیر عباسی خوشکار<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

### چکیده:

مطالعات و پژوهش‌های غرب آسیا در بین منطقه پژوهان مراکز آموزشی و پژوهشی داخل کشور با استفاده از رویکردهای پژوهشی متنوعی انجام می‌شود. دلیلی اصلی استفاده از رویکردهای پژوهشی در تحقیقات علمی مطالعه دقیق‌تر و عمیق‌تر حوزه مورد بررسی است. تنوع پژوهش‌های انجام شده علاوه بر داشتن تنوع موضوعی به تنوع استفاده از رویکردهای پژوهشی مختلف نیز باز می‌گردد. در نوشتار پیش رو ۸۲ مقاله علمی پژوهشی فارسی زبان در بازه زمانی ده ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ بر اساس بررسی توزیع فراوانی در شش رویکرد پژوهشی مطالعه شده‌اند. رویکرد جریان اصلی و به صورت خاص نظریه واقع‌گرایی بیشترین سهم مقالات پژوهشی را از آن خود ساخته‌اند. در این پژوهش استفاده از رویکرد شبکه‌ای به دلیل وجود ضعف‌های متعدد تبیینی در نظریه‌های حاضر در مطالعات منطقه‌ای، در بخش آخر پیشنهاد شده است. نگاه عمیق شبکه‌ای و پیوند بین واحدهای دولتی و غیردولتی در گسترده نظم شبکه غرب آسیا و تعامل دو سطح کلان و منطقه‌ای به صورت پیوند همزمانی از جمله ویژگی‌های مثبت و امکانات تبیینی این رویکرد جدید در مطالعات منطقه‌ای است.

**واژگان اصلی:** مطالعات غرب آسیا، رویکرد جریان اصلی، رویکرد شبکه‌ای، مقالات علمی-پژوهشی، گره‌های ارتباطی، نظم شبکه‌ای.

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای نیازمند استفاده از رویکردهای نظری و پژوهشی عالمانه است. در مطالعات منطقه‌ای دو رویکرد کلان جریان اصلی و انتقادی برگرفته از نظریه‌های روابط بین الملل مورد استفاده پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. رویکرد جریان اصلی به رویکردهای واقع‌گرایانه و لیبرالیستی در حوزه سیاست خارجی و مسائل امنیتی گفته می‌شود که بر پایه تبیین‌های مادی و دولت محور از پدیده‌های جهانی و منطقه‌ای جایگاه نخست را در پژوهش‌های منطقه‌ای در سطح جهانی از آن خود ساخته‌اند. رویکرد انتقادی از نظریه‌های گفتمان تا سازه‌انگاری و پست مدرنیسم را دربرمی‌گیرد که بر بعد غیرمادی و بازنمایی پدیده‌های انسانی تاکید دارند.

در پژوهش‌های منطقه‌ای، مناطق مختلف با توجه به اهمیت راهبردی، اقتصادی، فرهنگی و یا انرژی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. نزد پژوهشگران ایرانی به دلیل حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و اهمیت این منطقه در راهبردهای منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ منطقه غرب آسیا از اهمیت پژوهشی دوچندانی برخوردار بوده است. ر این حوزه مقالات پژوهشی فارسی زبان بسیاری توسط محققان ایرانی به چاپ رسیده است. هدف از چاپ مقالات مذکور تولید دانش، شناخت نظری و کاربردی و تاثیرگذاری بر ذهنیت تصمیم‌سازان سیاست خارجی بوده است.

مقالات پژوهشی منتشر شده در مجلات فارسی زبان داخلی از رویکردهای متنوعی بهره برده‌اند. استفاده از رویکردهای نظری مختلف سبب شده است جهت‌گیری پژوهشی و دست‌آوردهای علمی مقالات از تنوع پذیری بالایی برخوردار باشد. هر یک از رویکردهای پژوهشی با در نظر گرفتن سطح تحلیل مخصوص به خود، برجسته‌سازی برخی نیروها و بازیگران و همچنین تمرکز بر بعد راهبردی و یا اقتصادی پدیده‌های به وقوع پیوسته از ضعف و ناکارآمدی تبیینی خاصی برخوردار هستند.

در پژوهش پیش رو نگارنده در پی ارائه دسته‌بندی و تصویری کمی از رویکردهای پژوهشی ۸۲ مقاله علمی-پژوهشی در مطالعات غرب آسیا است. نقد رویکردهای پژوهشی استفاده شده در مقالات پیمایشی انتخاب شده در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ و ارائه رویکردی بدیل برای تقویت محتوای کیفی پژوهش‌های مطالعات منطقه‌ای هدف از نگارش مقاله پیش رو را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش در بخش اول رویکردهای جریان اصلی و انتقادی به عنوان دو رویکرد مورد استفاده در پژوهش‌های مطالعات منطقه‌ای بررسی می‌شود در ادامه ۸۲ مقاله به صورت کمی و دسته‌بندی شده مطالعه می‌شوند. در بخش دوم رویکرد شبکه‌ای به عنوان رویکردی بدیل و پیشنهادی ارائه خواهد شد.

## ۱- رویکردهای پژوهشی در مطالعات منطقه غرب آسیا

رویکردهای مورد استفاده در مطالعات غرب آسیا به دو دسته رویکردهای جریان اصلی و جریان انتقادی تقسیم می‌شوند. رویکردهای جریان اصلی به سه دسته نظریه‌های واقع‌گرایی، لیبرالیسم و اقتصاد-سیاسی در طیف متنوعی از نظریه‌های خلاصه می‌شود. رویکرد انتقادی نیز مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در قالب نقد نظریه‌های رویکرد جریان اصلی در شامل می‌شوند. این نظریه‌ها عبارتند از: گفتمان، سازه‌انگاری و جامعه‌شناسی تاریخی.

### ۱-۱- رویکرد جریان اصلی

جریان اصلی به تمرکز بر نیروهای مادی و برجسته‌سازی نقش دولت در تبیین پدیده‌های منطقه‌ای سهم بزرگی از رویکردای تبیینی را در مطالعات منطقه‌ای از آن خود ساخته است. در این رویکرد سه جریان نظری مهم وجود دارند که متشکل از واقع‌گرایی، لیبرالیسم و اقتصاد-سیاسی است. واقع‌گرایی در روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای از سابقه طولانی برخوردار است. روابط بین الملل به منزله یک رشته علمی عمدتاً تحت سلطه واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی و مبتنی بر نگرش پوزیتیویستی بوده است و به علت الگوبرداری از روش‌های علوم طبیعی در اکثر نظریه‌های روابط بین الملل مبتنی بر اشکال ساده شده آگاهانه واقعیت بودند که بر اساس کلیت بخشی استقرایی یا مدل‌های قیاسی استوار بودند. (عسگرخانی، ۱۳۸۹: ۲۱۴)

لیبرالیسم مانند واقع‌گرایی بر دولت‌ها تأکید دارد. تفاوت این دو نظریه در تأکید بیشتر لیبرالیسم بر همکاری و بازیگران غیردولتی در کنار رقابت بین دولت‌ها است. متغیر گروه‌های اجتماعی و نخبگان سیاسی از دیگر مؤلفه‌های تحلیلی این نظریه است. همکاری یکی از مهمترین عناصر سازنده پدیده‌های منطقه‌ای است که لیبرال‌ها بر آن بسیار تأکید دارند.

اقتصاد سیاسی نظریه دیگری است که بر نقش همکاری‌ها و رقابت‌های اقتصادی در تعیین چگونگی وقوع پدیده‌های سیاسی متمرکز است. رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل مبتنی بر تأکید بر تأثیرات متقابل مؤلفه‌ها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بر یکدیگر و وابستگی متقابل سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در تأثیرگذاری بر روند ظهور پدیده‌ها و تحولات گوناگون است که به عنوان یک روش پژوهش در سیاست بین الملل به کار گرفته می‌شود. اقتصاد سیاسی بین الملل یک رشته مطالعاتی بین رشته‌ای در علوم اجتماعی است که به دنبال کشف، تحلیل و بررسی تغییرات در فرایندهای جریانات اقتصادی و حاکمیت سیاسی است که از مرزهای ملی فراتر رفته است.

(پوراحمدی، ۱۳۹۴: ۹۵)

این رویکرد پس از پایان جنگ سرد از قوت نظری خاصی برخوردار شد. دوران اندیشه ژئواکونومی عصر جدیدی است که نقش کشورها و ایفای آن همه منوط به داده‌ها و داشته‌های اقتصادی آنهاست و نقش آفرینی و موقعیت کشورها و مناطق جغرافیایی نیز در راهبردهای کلان قدرت‌های بزرگ که به کلام دقیق همان‌ها تعیین کننده سیاست بین الملل نیز می‌باشند در گرو توان اقتصادی است که به موجب آن بازیگر یا بازیگران منطقه‌ای به نظام اقتصاد جهانی چه به عنوان تولید کننده انرژی یا توزیع کننده یا بازیگر تسهیل کننده توزیع و یا حلقه‌های مکمل این نظام در هم تنیده پیوند می‌خورند. (نامی، ۱۳۸۸: ۴۲)

### ۱-۲- رویکرد انتقادی

نظریه‌های انتقادی با استفاده از نقد رویکرد جریان اصلی به مطالعات منطقه‌ای ورود پیدا کردند. رویکرد انتقادی با غیرمادی دانستن منشأ پدیده‌های منطقه‌ای و بین المللی بعد ذهن‌گرایی و شناختی برجسته‌ای پیدا کرد. نظریه‌های گفتمان، سازه‌انگاری و جامعه‌شناسی تاریخی در این رویکرد قرار می‌گیرند. نظریه گفتمان بر گفتمانی بودن کنش‌ها در شکل‌گیری پدیده‌های انسانی تأکید دارند. برخورد گفتمان‌های مختلف با یکدیگر زمینه‌های همکاری و رقابت را فراهم می‌سازند.

در خصوص مفهوم گفتمان نیز باید گفت هر نوع کلام، گفتار و نوشتار جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، دارای سرشت ماهیت و ساختار اجتماعی است. بنابراین گفتمان پدیده مقوله یا جریانی اجتماعی است. به تعبیر بهتر گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه‌های اجتماعی است. گفتمان نوعی ارتباط یا مفاهمه‌زیانی است که به صورت قراردادی بین گوینده و شنونده و به مثابه فعالیتی بین اشخاص دیده می‌شود که شکل آن توسط اهداف اجتماعی آن تعیین می‌شود. (مک دانل، ۱۳۸۰: ۴۹) گفتمان‌ها در شرایط مختلف قدرت و ضرورت بازنمایی‌های متفاوتی از زبان را به نمایش می‌گذارند که این بازنمایی نه تنها ریشه در اعتقادات و گرایش‌های دینی دارد بلکه به شدت متأثر از برداشت، دیدگاه‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و سرانجام نگاه به شیوه زندگی در گذشته، حال و آینده دارد. (بشیر، ۱۳۸۸: ۶۱)

سازه‌انگاری نظریه دیگری است که بر ساخته شدن پدیده‌های سیاسی در سطح مناطق با توجه به کنش‌های معنادار دولت‌ها تأکید دارد. از نظر ونت واقع‌گرایی نواقح‌گرایی و نولیبرالیسم مادی‌گرا هستند به این معنا که بنیادی‌ترین فاکتورها در مورد جامعه را سرشت و سازماندهی نیروهای مادی می‌دانند

و در برابر معناگرایان قرار می‌گیرند که بنیادی‌ترین فاکتورها سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی می‌دانند که به معنای توزیع انگاره‌ها و شناخت‌ها است. ونت با تکیه بر آراء تعامل‌گرایان نمادین بر آن است که اولاً اشخاص بر اساس معانی‌ای که چیزها و سایر کنشگران برای آنها دارند عمل می‌کنند و ثانیاً این معانی در ذات جهان نیستند بلکه در تعامل شکل می‌گیرند. (عباسی اشلقی، ۱۳۸۸: ۷۴) سیاست بین الملل از دید سازه‌انگاران به عنوان یک برساخته اجتماعی، قلمروی اجتماعی است که ویژگی‌های آن در نهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹)

جامعه‌شناسی تاریخی به معنای مطالعه اکنون جامعه در پرتو تاریخ و سنتش است. جامعه‌شناسی تاریخی در مقابل رهیافت مقطعی و غیر تاریخی کارکردگرایی ساختاری قرار می‌گیرد. درعین حال، باید توجه کرد که جامعه‌شناسی تاریخی، اغلب، رویکردی موجبت‌انگار به جامعه و تحولاتش دارد. از نظر برخی جامعه‌شناسان همچون اسمیت جامعه‌شناسی از دل تاریخ بیرون آمده است. مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای از طریق بررسی تاریخ و سنت‌های سازنده آن به صورت موردی در مطالعات غرب آسیا عمدتاً توسط محققانی که دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه دارند انجام می‌شود.

در جهت گریز از توهم تغییرناپذیری و جاودانه‌انگاری سنت والتزی نگاه جامعه‌شناسی تاریخی عمدتاً بر پذیرش و اصرار بر وجود فرآیندهای تاریخی دگرگون‌کننده و تحول‌آفرین مبتنی است فرایندی که موجب بازسازی و اصلاح کردارها، نهادها و هنجارها می‌شود. یکی دیگر از تلاش‌های رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی توضیح توهم هم ریختی و هم منطقی سنت والتزی روابط بین الملل است. جامعه‌شناسی تاریخی با رد چنین برداشتی به دنبال شرح تفاوت‌ها و برش‌های مهم ادوار تاریخی است. همین‌طور منطق حاکم بر دوران جنگ سرد با منطق حاکم بر منازعات میان آنتی‌ها و اسپارت‌ها متفاوت است. لذا جامعه‌شناسی تاریخی بجای توجه و تاکید بر هم منطق و هم ریخت بودن مسائل بر بازاندیشی در روابط بین الملل و موضوعات و مسائل آن تاکید دارد. (احمدیان، ۱۳۹۳: ۲۱۶)

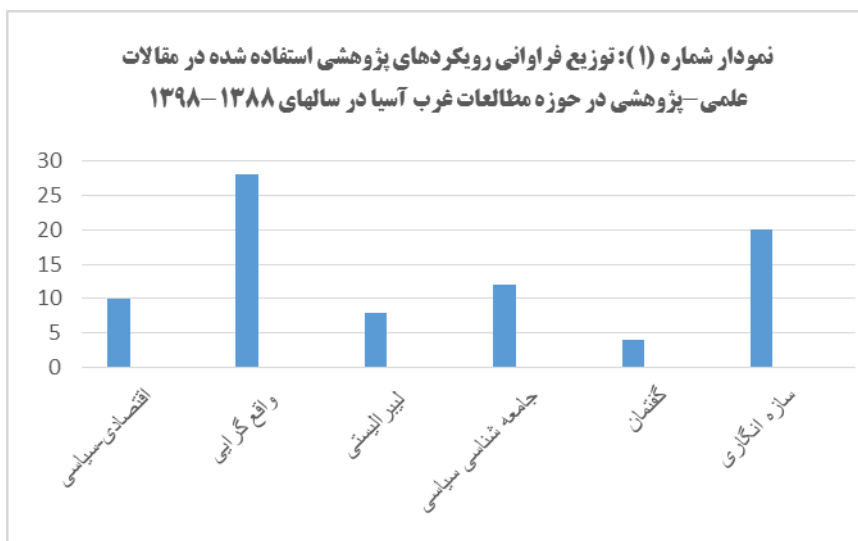
### ۳-۱- توزیع فراوانی بهره‌گیری از نظریه‌ها در مقالات پژوهشی

مقالات گزینش شده علمی-پژوهشی در حوزه مطالعات غرب آسیا دارای رویکرد پژوهشی هستند. مقالاتی که از رویکرد پژوهشی خاصی بهره‌برده‌اند در این مطالعه استفاده نشده‌اند. رویکردهای نظری مقالات گزینش شده در شش دسته واقع‌گرای، لیبرالیسم، اقتصاد-سیاسی، سازه‌انگاری، گفتمان و جامعه‌شناسی تاریخی تقسیم بندی شده‌اند. در مجموع ۸۲ مقاله علمی-پژوهشی در بازه زمانی ده ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ استفاده شده‌اند. در ادامه ضمن بررسی کمی مقالات به نقد آنها و در بخش بعدی به

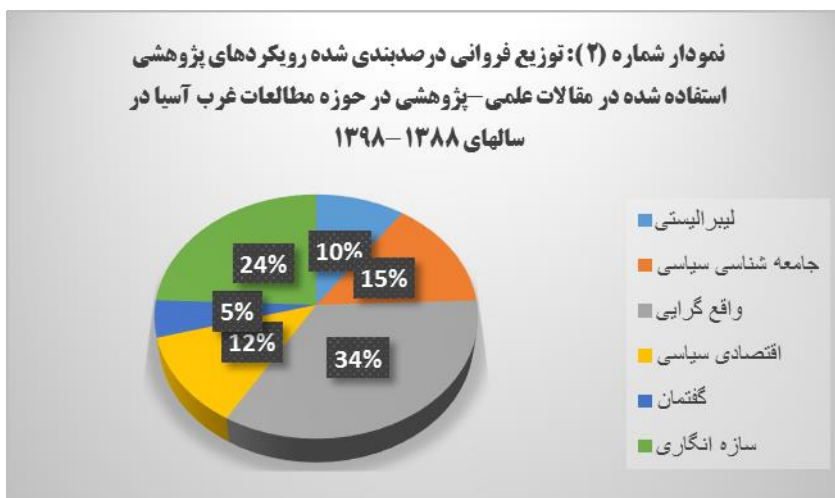
ارائه رویکردی بدیل خواهیم پرداخت.

### ۱-۳-۱- بررسی کمی مقالات

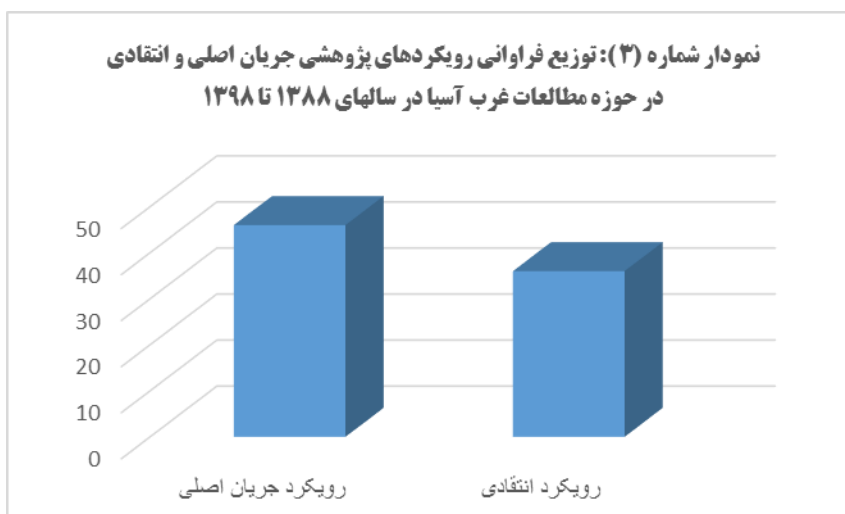
۸۲ مقاله بررسی شده در ۶ دسته تقسیم بندی شده است. واقع گرایی با ۲۸ مقاله در رتبه اول بیشترین تعداد مقالات در یک چهارچوب نظری قرار دارد. سازه انگاری با ۲۰ مقاله، جامعه شناسی سیاسی با ۱۲ مقاله، اقتصاد سیاسی با ۱۰ مقاله، لیبرالیسم با ۸ مقاله و گفتمان با ۴ مقاله در رتبه‌های بعدی قرار دارند.



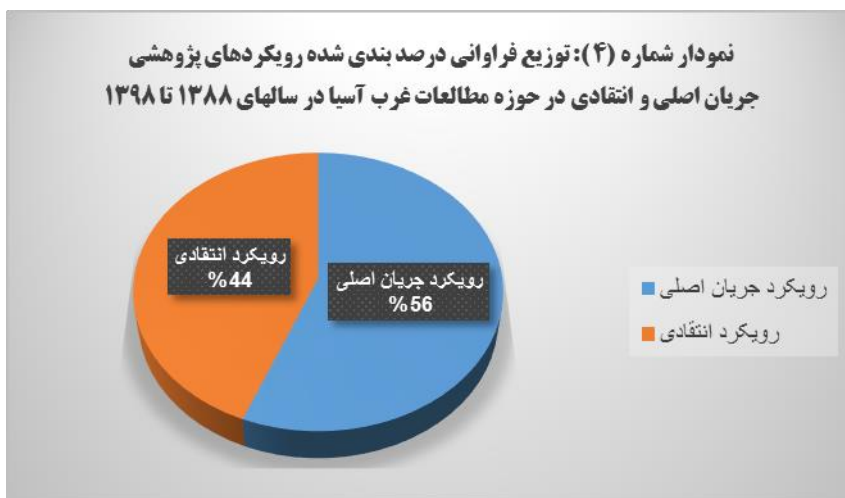
بررسی درصدی مقالات در ۶ دسته ذکر شده با برتری ۳۴ درصدی نظریه واقع گرایی همراه بوده است. تقریباً یک سوم مقالات نوشته شده با استفاده از چهارچوب نظری واقع گرایی نوشته شده است. این آمار نشان دهنده اقبال نسبی پژوهشگران به این چهارچوب نظری در تبیین پدیده‌های منطقه غرب آسیا است.



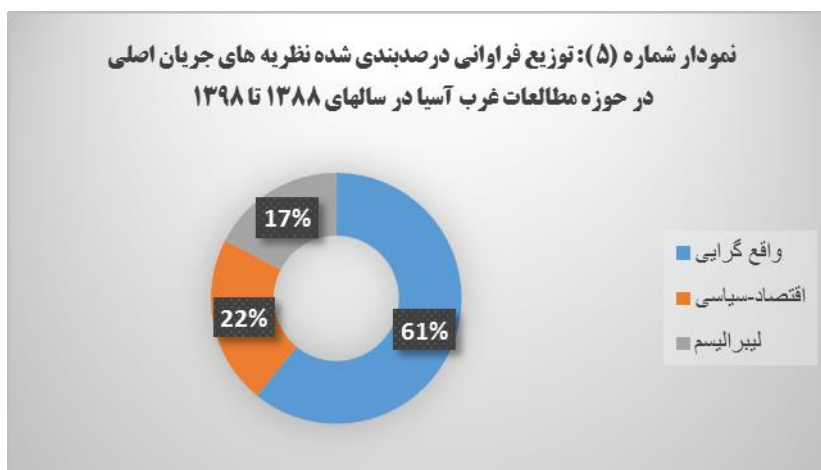
در بررسی انجام شده در دو دسته کلان رویکرد انتقادی و رویکرد جریان اصلی، ۸۲ مقاله بررسی شد که از این تعداد ۴۶ مقاله در دسته جریان اصلی و ۳۶ مقاله در دسته رویکرد انتقادی قرار دارند. برتری رویکرد جریان اصلی بر رویکرد انتقادی به صورت سلطه کمی شده درنیا آمده است اما به نسبت مقالات رویکرد انتقادی رویکرد رقیب از برتری کمی بالاتری برخوردار است.



در قالب نمایش کمی- درصدی رقابت دو رویکرد انتقادی و جریان اصلی در شکل ذیل مشاهده می‌کنید که رویکرد جریان اصلی با ۵۶ درصد و رویکرد انتقادی با ۴۴ درصد در مجموع مقالات بررسی شده در رتبه اول و دوم قرار دارند.

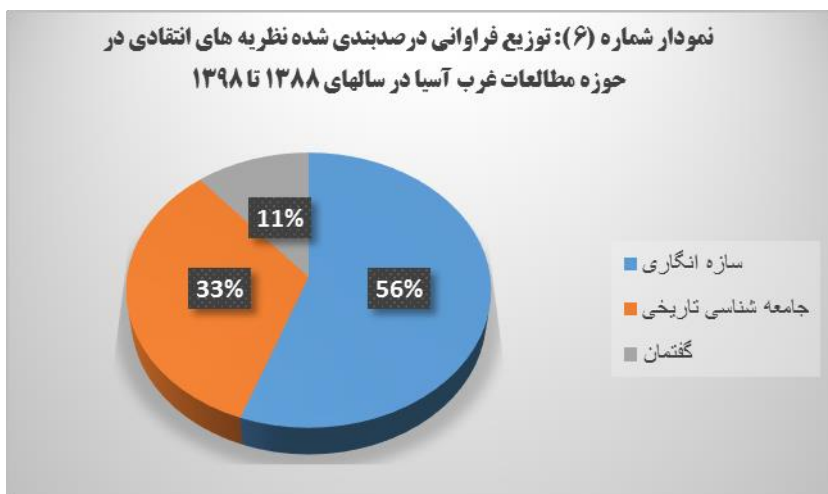


در رویکرد جریان اصلی سه دسته نظریه وجود دارد. در رویکرد واقع گرایی با ۶۱ درصد، تعداد فراوانی بیشتری را نسبت به نظریه اقتصاد-سیاسی با ۲۲ درصد و لیبرالیسم با ۱۷ درصد از آن خود کرده است. واقع گرایی در بین نظریه‌های جریان اصلی و در مقایسه با سایر نظریه‌های رویکرد انتقادی در رتبه نخست قرار دارد.



در رویکرد انتقادی نظریه سازه انگاری با ۵۶ درصد، بیشترین تعداد فراوانی مقالات نوشته شده را در این رویکرد از آن خود نموده است. در رویکرد جریان اصلی واقع گرایی و در رویکرد انتقادی سازه انگاری بیشترین تعداد مقالات نوشته شده را از آن خود کرده‌اند. نظریه سازه انگاری رقیب جدی واقع گرایی در پوشش تعداد مقالات نوشته شده است. در رویکرد انتقادی پس از سازه انگاری جامعه شناسی سیاسی با ۳۳ درصد و گفت‌وگو با ۱۱ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.





### ۲-۳-۱- بررسی محتوایی مقالات

محتوای مقالات پژوهشی متأثر از غلبه رویکردهای نظری مختلفی که استفاده شده‌اند قالب بندی می‌شوند. محتوای مقالات با توجه به جهت گیری نظری موجود در آنها صورت بندی می‌شوند. برتری رویکرد جریان اصلی در نگارش مقالات پژوهشی سبب شده است تا محتوای پژوهش‌ها به سمت مطالعه پدیده‌ها بر اساس ارزیابی نیروهای مادی و توزیع قدرت متمایل شود. استفاده از رویکرد جریان اصلی در منطقه غرب آسیا به رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی در منطقه و رقابت‌های قدرت‌های منطقه با یکدیگر خلاصه شده است. به عنوان مثال در یکی از مقالات با استفاده از رویکرد جریان اصلی نوشته شده است "اولویت سیاست‌های خاورمیانه‌ای عربستان در طول دهه گذشته بر عقب راندن نفوذ منطقه‌ای ایران متمرکز بوده است. بر این اساس در خصوص بحران سوریه، عربستان در درجه اول منابع و ظرفیت‌ها را بر بشار اسد به کار گرفته است و نیروهایی را که در آغاز در چهارچوب ائتلاف تحت رهبری آمریکا علیه داعش اعزام کرده بود به عرصه نبرد در یمن بر نیروهای تحت نفوذ ایران گسیل داده است." (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷: ۲۸۵)

با استفاده از رویکرد جریان اصلی با پر رنگ‌تر کردن محتوای همکاری در کنار رقابت‌های منطقه‌ای به همکاری‌های منطقه‌ای نیز اشاره شده است. در سطح منطقه‌ای رقابت و همکاری در یکی از مقالات این گونه تصویر شده است که "سطح قدرت و جایگاه سوریه، عراق، عربستان، ایران، ترکیه و اسرائیل تحت تأثیر ماهیت رقابتی است که در سطح جهانی و به صورت دوجانبه میان روسیه و آمریکا شکل بگیرد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل سعی خواهند کرد با همکاری و

ائتلاف جزایری جدا از میدان‌های درگیری خاورمیانه برای رشد اقتصادی و ارتباطات گسترده بین‌المللی برای جذب فناوری و سرمایه ایجاد کنند." (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

در قالب رویکردهای لیبرالی مسائل فرهنگی و گروه‌های مختلف اجتماعی تاثیرگذار در سیاست خارجی مطالعه شده‌اند. دیپلماسی فرهنگی در خاورمیانه در قالب استفاده از رویکرد لیبرالیستی بحث شده است. گسترش فناوری ارتباطات، اینترنت، رسانه‌های بین‌المللی و تعامل‌های فرادولتی در کنار تحول نظری موجب شده بسیاری اعتقاد پیدا کنند که پیشبرد منافع ملی بدون به کارگیری فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی کارآمد امری دشوار و پرهزینه است. (کشاورز شکری، ۱۳۹۲: ۱۰) مباحث مرتبط با دیپلماسی عمومی، (آدمی، ۱۳۹۲) ماهیت نخبگان دستگاه سیاست خارجی و مسائل اجتماعی (عاملی، ۱۳۹۵) در قالب رویکرد لیبرالی مطرح شده‌اند.

در چهارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی بررسی بعد اقتصادی مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای پس از پایان جنگ سرد و با برجسته‌تر شدن مسائل اقتصادی شکل آشکارتری به خود گرفت. برژینسکی توضیحات کاملی را در مقاله خود تحت عنوان ژئواستراتژی از راه ژئواکونومی داده است. در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن ۲۱ دارد باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه واقع است. (نامی، ۱۳۸۸: ۴۴) مقالات اقتصاد سیاسی در حوزه مطالعات غرب آسیا بر تأثیر متغیر اقتصاد بر شکل‌گیری پدیده‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. به عنوان مثال برخی مقالات شکل‌گیری بهار عربی را از زاویه نظریه اقتصاد سیاسی مطالعه کرده‌اند.

نظریه جامعه‌شناسی تاریخی در مطالعات منطقه غرب آسیا پدیده‌های سیاسی را در بعد تاریخی به صورت بررسی آنها در قالب جریان‌های زمان‌مند مطالعه می‌کند. به عنوان مثال در این رویکرد در مطالعه پدیده توسعه نیافتگی از زاویه مطالعه نهادگرایی بر اساس زنجیره توسعه دولت‌های ناکارآمد می‌توان آنها را به دولت‌های ضعیف، شکننده و ورشکسته تقسیم کرد. در سال‌های پس از جنگ سرد و در عصر استعمارزدایی این دولت‌ها در ابتدا در منطقه آفریقا ظاهر شده‌اند. در آن زمان در منطقه خاورمیانه دولت‌هایی وجود داشت که عموماً ارائه‌کننده بخشی از خدمات اجتماعی تضمین‌کننده سطحی از امنیت و بیشتر وابسته به کمک‌های خارجی یا درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بودند. با آغاز قرن بیست و یکم خاورمیانه نیز وارد عصر جدیدی از تحولات شد که در نتیجه آن برخی از دولت‌های ضعیف این منطقه به سمت دولت‌های شکننده و سپس دولت‌های ورشکسته گذار کردند.

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۳۶)

در مقاله‌ای در قالب مفهوم انقلاب خاموش، در ارتباط با انقلاب‌های سال ۲۰۱۱ نوشته شده است با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی بیان شده است انقلاب خاموش اصطلاحی است که در ارتباط با تغییر و دگردیسی ماهوی و بنیادی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی-اجتماعی به کار رفته است طبعاً چنین انقلابی منجر به تغییر در ساخت رفتاری و کنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. از آنجا که تحول در سطح ارزشی و نگرشی به صورت ناملموس، کند و زمان بر صورت می‌گیرد لذا از عنوان یا پسوند خاموش استفاده شده است. (سردارنیا، ۱۳۹۴: ۶)

نظریه سازه‌انگاری مهمترین نظریه انتقادی در مطالعات روابط بین‌الملل است و با تاکید بر مفهوم هویت توانسته است بدیل مهمی برای رویکرد جریان اصلی به شمار آید. در منطقه غرب آسیا ارزیابی نیروهای مادی به تنهای نمی‌تواند پاسخگوی تبیین دقیق پدیده‌های پیش رو باشد. لذا با باز شدن فضا برای استفاده از رویکردهای انتقادی و به طور خاص سازه‌انگاری استفاده از مفاهیم ذهنی و شناختی مورد توجه بیشتری واقع گردیده است. گروه‌های هویت‌گرا و بازیگران غیردولتی در خاورمیانه تلاش می‌نمایند تا از طریق تولید مقاومت به هویت‌گرایی ایدئولوژیک نائل گردند. این امر زمینه ظهور بازیگرانی را فراهم می‌آورد که از طریق هویت مقاومت به نقش‌آفرینی سیاسی و امنیتی در فضای خاورمیانه مبادرت می‌نمایند. هویت مقاومت نشان می‌دهد که گروه‌های اجتماعی تلاش می‌نمایند تا در برابر فشارهای ناشی از سرکوب و سلطه از طریق واکنش‌های انسانی به بازتولید هویت مبادرت نمایند. (مصلى نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۴)

برخلاف منازعات گذشته که مبنای اقتصادی، سیاسی یا ایدئولوژیکى داشت، آتش‌درگیری‌های آینده را عوامل فرهنگی روشن خواهند کرد. در جهان کنونی برخوردهای سیاسی، نظامی و امنیتی جای خود را به برخوردهای فرهنگی داده است. برخوردهای فرهنگی ناشی از تمایزات فرهنگی و هویت‌یابی فرهنگی به دلیل شدت و عمقی که دارند جهان را با خطر جدی مواجه ساخته‌اند. (زارعان، ۱۳۹۵: ۱۰۲) استفاده از نظریه سازه‌انگاری به عنوان مبنایی نظری برای تبیین ستیزهای هویتی و اعتقادی پس از تبیین‌های مادی گرایانه واقع‌گرایی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. تبیین هویتی از ستیزها به مبحث توزیع شناخت و ساخت‌های ذهنی می‌پردازد.

به عنوان مثال در یکی از مقالات این مدعا این گونه بیان شده است "در خاورمیانه هویت دسته‌جمعی هنوز معنایی نداشته و شکل نگرفته چرا که در این منطقه هنوز هویت‌های چندگانه اسلامی، ملی

و قومی همراه با احساسات ناسیونالیستی ایرانی، کردی، ترکی و عربی اصلی‌ترین عامل شکل دهنده به منازعات بینادولتی و مهمترین مانع شکل‌گیری همگرایی عمیق در میان کشورهای این منطقه شده است. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۱۳۹) در سطح تعاملات بین دولتی با نگاه سازه‌انگاری تعارضات این گونه توضیح داده شده است که "انجام اقدامات تحریک‌آمیز نظامی و امنیتی عربستان سعودی و امارات عربی متحده از دولت بحرین ماهیت هویتی دارد. شکل‌گیری منازعات هویتی مخاطرات زیادی را برای ثبات خاورمیانه عربی، خلیج فارس و آسیای جنوبی ایجاد می‌کند." (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۲)

نظریه‌گفتمان‌آخین نظریه در رویکرد انتقادی در این مقاله است که با پیوند بین گفتمان به عنوان مبنای عمل و ظهور پدیده‌های سیاسی و امنیتی توانسته است عنصر و مؤلفه ذهنیت تصمیم‌سازان را وارد مطالعات منطقه‌ای نماید. بررسی اسلام‌گرایی و سلفی‌گری در منطقه غرب آسیا یکی از حوزه‌های مورد علاقه طرفداران نظریه‌گفتمان در مقاله‌های بررسی شده بوده‌اند. به عنوان مثال در یکی از مقالات آورده شده است که "اسلام سلفی نوعی گفتمان رادیکال یا منظومه معنایی متشکل از مجموع‌هایی از نشانه‌های به هم پیوسته است که در کنار هم در برابر گفتمان‌های سکولار مدرن و لیبرالیسم غربی یا سلطه غرب صف‌آرایی کرده‌اند." (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

با برجسته‌تر شدن مؤلفه‌های تاثیرگذار فرهنگی و ارزشی استفاده از رویکردهای انتقادی علاوه بر برتری رویکردهای جریان اصلی در مطالعات غرب آسیا از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از پژوهشگران منطقه غرب آسیا این مهم را در قالب مطالعه انقلاب‌های عربی این چنین توضیح داده است "در وضعیتی که اقتدارگرایی در حال افول است گفتمان‌های اسلام‌گرایی و دموکراسی خواهی در حال رقابت و بازمفصل‌بندی عناصر گفتمانی خود هستند تا بتوانند با مقاومت اندک و حمایت بازیگران بیشتر به جایگاه هژمونی دست یابند. به رغم اینکه اینک شعارهای ایجابی معترضین بسیار کم و محدود است اما اغلب ناظران بر این باورند که در بهار عربی دو گفتمان اسلام‌گرایی و دموکراسی خواهی با گرایش‌های مختلف از گفتمان حاشیه‌ای به گفتمانی تحول‌ساز و تاثیرگذار تبدیل شده و بیشترین نقش را در روند سرنگونی حکومت‌های این کشورها ایفا می‌کنند." (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۵۹)

رویکردهای فوق از کاستی‌های تبیینی متفاوت و مشترکی برخوردار هستند. رویکرد انتقادی در پاسخ به ناتوانی‌های تبیینی رویکرد جریان اصلی به حوزه مطالعات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای وارد گردید. وجه مشترک کاستی هر دو رویکرد کلان‌تحلیلی در فقدان جمع‌عناصر قدرت مادی و غیرمادی و شبکه‌ای ندیدن روابط و چگونگی شکل‌گیری پدیده‌های منطقه‌ای است. پدیده‌های سیاسی

و امنیتی در سطوح مختلف تحلیل و در پیوند اجزا با یکدیگر شکل می‌گیرند. اتصال سطوح مختلف تحلیلی و ارتباطی دیدن شکل‌گیری پدیده‌های سیاسی و منطقه‌ای در رویکرد شبکه‌ای به مطالعات منطقه‌ای امکان‌پذیر است. در بخش بعدی رویکرد شبکه‌ای به عنوان رویکردی بدیل برای مطالعه عمیق‌تر و جامع‌تر پدیده‌های منطقه‌ای پیشنهاد خواهد شد.

## ۲- رویکرد پژوهشی پیشنهادی؛ رویکرد شبکه‌ای

رویکرد شبکه‌ای یک از رویکردهای پژوهشی کمتر شناخته شده در سطح مطالعات منطقه‌ای است که به تازگی وارد این حوزه مطالعاتی شده است. در این بخش در ابتدا ادبیات موجود در حوزه بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در مطالعات منطقه‌ای بررسی می‌شوند و در ادامه به معرفی رویکرد شبکه‌ای و مزایای استفاده از آن برای تعمیق محتوای کیفی مطالعات این حوزه نکاتی ارائه خواهد شد.

### ۱-۲- ادبیات پژوهشی رویکرد شبکه‌ای

رویکرد پژوهشی شبکه‌ای در آثار مطالعات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در مقایسه با سایر رویکردها کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. در حوزه منابع انگلیسی بوچما (Boschma, 2009) با استفاده از رویکرد شبکه‌ای به اقتصاد مناطق و نحوه تعامل واحدها و سازمان‌های اقتصادی با یکدیگر در فضاهای جغرافیایی مطالب را در قالب مقاله‌ای منتشر کرده است. فريتچ (Fritsch, 2013) با استفاده از رویکرد شبکه‌ای تولید دانش را در پیوند سطح منطقه‌ای و جهانی در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده است و با نگاهی شبکه‌ای توانسته است امتیازات این رویکرد را در تبیین عمیق‌تر تولید دانش نشان دهد. ماسیز (Masys, 2014) دیگر محقق در حوزه مطالعات منطقه‌ای است که توانسته است با استفاده از رویکرد شبکه‌ای مسائل دفاعی و تروریستی را در سطح منطقه‌ای بررسی کند. ملی‌گرایی افراطی یکی از مباحث مهمی است که توسط وی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است.

رسلر (Ressler, 2006) توانسته است با استفاده از رویکرد شبکه‌ای نگاه جدیدی به مساله تروریسم و نحوه برخورد دولت‌ها با این پدیده منطقه‌ای ارائه کند. این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های حوزه تروریسم از جامعیت بیشتری برخوردار است. مائوز (Maoz, 2012) رویکرد شبکه‌ای را در مطالعات بین‌المللی و پیوند آن با مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار داده است. پیوند دو سطح تحلیل کلان و میانی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای نوآوری وی در پژوهش‌های منطقه‌ای بوده

است.

در حوزه مطالعات فارسی زبان، فرهاد قاسمی (قاسمی، ۱۳۹۳) با بهره گیری از رویکرد شبکه‌ای در کتاب نظریه‌های روابط بین الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی توانسته است نظم را در دو سطح جهانی و منطقه‌ای تبیین نماید و مفهوم سیاست خارجی را در این نظم شبکه‌ای شده توضیح دهد. مریم صنیع اجلال (صنیع اجلال، ۱۳۹۶) در مقاله پژوهشی خود به نقش دیپلماسی در تولید دانش و شناخت در منطقه غرب آسیا با استفاده از رویکرد شبکه‌ای پرداخته است. ابراهیم عباسی (عباسی، ۱۳۹۳) پژوهش گر دیگری است که با بهره گیری از رویکرد شبکه‌ای توانسته است نگاه متفاوتی به مقوله همکاری در منطقه غرب آسیا و معضلات موجود در آن بیندازد. در حوزه پژوهش‌های فارسی زبان در مطالعات منطقه‌ای و بین المللی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای مقالات دیگر پژوهشی وجود دارند که از کمیت ناچیزی برخوردار هستند.

## ۲-۲- رویکرد شبکه‌ای و مطالعات منطقه‌ای

رویکرد شبکه‌ای از منطق تحلیلی و سبک تبیین خاصی برخوردار است. این رویکرد با گشودن پنجره‌ای جدید برای محققان بر روی پدیده‌های منطقه‌ای می‌تواند چشم انداز جدیدی را برای مشاهده دقیق‌تر و عمیق‌تر پدیده‌های سیاسی فراهم آورد. در یک دسته بندی کلان دو نوع نظریه داریم. ۱- کارگزار پایه (Actor-based): در این نظریه موجودیت‌ها (Entities) ابتدا می‌آیند و روابط نتیجه ویژگی‌های کارگزاران است. ۲- چشم انداز رابطه‌ای (Relational perspective): در این نوع نظریه‌ها واحدها (Unites) اهمیت و کارکرد نقش خود را از تعاملات بین واحدها به دست می‌آورند. (Gilde, 2014: 50) رویکرد شبکه‌ای به دسته دوم نظریه‌ها یعنی چشم انداز رابطه‌ای تعلق دارد. رویکرد شبکه‌ای با بهره گیری از نظریه‌های پیچیدگی که دران روابط میان اجزا به صورت سیال و پویا بدون تصلب‌های رویکرد سیستم‌های ساده به بهره گیری از مؤلفه‌های تحلیلی نظریه‌های پیچیدگی و سامان دهی آنها در رویکرد خود پرداخته است. انطباق نظری و مفهومی رویکرد پیچیدگی و شبکه‌ای بر یکدیگر بسیار زیاد است. رویکرد شبکه‌ای بخش‌هایی از مفاهیم رویکرد پیچیدگی را برای تحلیل سیالیت و پیچیدگی‌های مطالعات سیاسی و بین المللی به استخدام خود درآورده است.

وات تحلیل شبکه‌ای (Network Analysis) را علم عمل متقابل می‌داند و دانستن پنج ویژگی ذیل را در تحلیل شبکه‌ای ضروری می‌داند. ۱- اغلب واحدها در جهان به یکدیگر وابسته‌اند ۲- ارتباطات دارای کارکردهای متنوع‌اند ۳- سیستم‌ها به مانند ساختارها عمل می‌کنند ۴- ارتباط متقابل بین

ساختار و کارگزار وجود دارد ۵- تعامل ساختار-کارگزار می‌تواند به صورت نظام مند الگوسازی و توضیح داده شود. (Watt,2007: 11)

رویکرد شبکه‌ای به نظم با استفاده از مفروضات و مبانی تحلیلی نظریه‌های سیستمی، پیچیده و آشوب هویت تبیینی و تحلیلی خود را به دست آورده است و با بهره بردن از مفاهیم و اتصالات نظری خاصی که از آن استفاده می‌کند در پی تبیین و تحلیل دقیق‌تر پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روابط بین الملل است. در رویکرد شبکه‌ای مفهوم ساختار در مطالعات علوم اجتماعی به دلیل ثبات نسبی حاکم بران مورد نقد قرار گرفته است. (Bordeleau,2015: 33) مطالعات مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی و علوم سیاسی با رویکرد شبکه‌ای به دلیل مفروضات برگرفته از رویکرد شبکه‌ای متفاوت خواهد بود. در رویکرد شبکه‌ای مطالعات قدرت و تعاملات مبتنی بران از حالت منبع محور بودن خارج می‌شود و به صورت مطالعه‌ی زنجیره وار بازیگران و روش‌های ارتباطاتی در می‌آید. لذا میانجی‌ها و خطوط ارتباطات مرز میدان نیروها را مشخص می‌سازند. (Hennion and Muecky, 2016: 31)

رویکرد شبکه‌ای ریشه در نظریه‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی دارد. ورود هستی‌شناسی پیچیدگی (Ontology of Complexity) در مطالعات روابط بین الملل سبب ساز شکل‌گیری مفهوم چرخش ارتباطی (Relational turn) در تحلیل پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی شده است. در ادامه این تحول عمیق نظری رویکرد تحلیلی ماهیت‌گرا و شی‌گرا که مورد پذیرش طرفداران جریان اصلی و تجربه باوران بود برای رویکرد ارتباط‌گرا جای باز کرد. لذا در برخی چارچوب‌های نظری ارتباط محور و تاریخمند دانستن پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی در چارچوب زمینه‌های اجتماعی پذیرفته شد. در همین فضای فکری نظری بود که هستی‌شناسی ارتباطی (Relational ontology) در منظومه نظریه پردازی در روابط بین الملل وارد شد. (Hobson and Hobden,2002: 20)

در رویکرد شبکه‌ای دو نظریه مرتبط با یکدیگر وجود دارد. نظریه اول نظریه شبکه اجتماعی (Social network theory) است که نظریه‌ای اجتماعی محور است و مبتنی بر بعد ارتباطی است. این نظریه از مفاهیمی مانند بندها (Nodes) بازیگران در یک شبکه، گره‌ها (Ties) و روابط موجود میان بازیگران برخوردار است. اصول این نظریه عبارتند از: ۱- رفتار یک بند متأثر از رفتار سایر بندها است. ارتباط متقابل بین بندها وجود دارد. ۲- گره‌ها کانال ارتباط اطلاعات در شبکه هستند. ۳- این گره‌ها توانایی ایجاد ساختارها بین بازیگران در شبکه را دارند که بر رفتار آنها اثر می‌گذارد.

(Gilde,2014: 55) نظریه دوم نظریه کارگزار- شبکه است. تعامل کارگزار و شبکه و نحوه شکل گیری متقابل هر دو در این رویکرد مهم است. (Passoth and Rowland,2010: 41) در رویکرد شبکه‌ای نظریه کارگزار- شبکه (Agent-Network Theory) برای تبیین دقیق‌تر پویایی‌های درون و برون شبکه‌ای و اتصال سطوح تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. در نظریه کارگزار- شبکه واحدها ویژگی‌ها و جهت گیری‌های خود را در نتیجه تعامل با سایر اجزا و واحدها به دست می‌آورند. (Alcadipani and Hassard,2010)

توزیع نامتقارن گره‌ها و پیوندها میان واحدها به چند لایه شدن شبکه‌ها منجر شده است. اساس شکل گیری لایه‌ها نیز میزان و جایگاه ساختاری واحدها یا مجموعه واحدهاست. بر این اساس لایه‌های سیستم بین الملل عبارتند از: لایه یا خوشه کلیدی: این خوشه دارای نقش اصلی در سیستم کنترلی سیستم بین الملل می‌باشد. لایه متشکل از خوشه‌ها یا واحدهای بزرگ و تاثیرگذار بر ساختار. این خوشه‌ها نیز در مدیریت کنترلی سیستم مشارکت داشته در عین حال بخش تحتانی و تحت کنترل خوشه مرکزی محسوب می‌شود. لایه متشکل از خوشه‌های متوسط تاثیرگذار منطقه‌ای. این خوشه‌ها در سلسله مراتب کنترلی در گستره منطقه‌ای قرار داشته و تحت تأثیر فرایند کنترل خوشه کلیدی و خوشه‌های بزرگی قرار دارند که معمولاً متحد خوشه یا خوشه‌های کلیدی می‌باشند. لایه متشکل از خوشه‌های محلی. این خوشه‌ها در معرض فرایند کنترل منطقه‌ای قرار می‌گیرند. لایه‌های متشکل از واحدهای ضعیف. به این ترتیب بر اساس ساختار و لایه‌های شبکه‌ای سیستم بین الملل به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: سیستم بین الملل با مرکزیت بالا. سیستم بین الملل با مرکزیت پراکنده و محدود. سیستم بین الملل با مرکزیت پراکنده و گسترده. (فاسمی، ۱۳۹۳: ۷۳)

به دلیل ارتباط محور بودن تعامل گره‌ها در شبکه‌های سلسله مراتبی تبیین پویایی قدرت در این دست از شبکه‌ها به صورت ارتباطی است. نخستین بعد روش شناسی شبکه در مطالعه پدیده‌های روابط بین الملل و موازنه قوا دیدگاه ارتباطی است که ورای تجزیه و تحلیل ساختاری است. به عبارتی کنترل منابع به صورت خودکار نشان گر قدرت نیست مگر زمانی که اعمال شود. کنترل منابع شرط لازم محسوب می‌شود اما شرط کافی نخواهد بود. در نگرش شبکه‌ای تمرکز بر اعمال قدرت بوده و موقعیت جغرافیاییان چندان مهم نخواهد بود. زمانی که روابط متقابل درون شبکه تأییدی را به دنبال داشته باشند و مجموعه آن بیش از توان فردی بازیگران باشد قدرت علی را می‌توان تشخیص داد. رفتارهای گره‌ها یا حلقه‌های شبکه به صورت متقابل به یکدیگر وابسته‌اند و به همین سبب از خودمختاری رفتاری



برخوردار نمی‌باشند. پیوند بین گره‌ها کانال انتقال داده‌ها اعم از داده‌های مادی و غیرمادی را فراهم می‌سازند. در این میان الگوهای پایدار ناشی از مشارکت میان گره‌ها ساختارهایی را بوجود می‌آورد که تعریف کننده رفتارها و یا محدود کننده آنها محسوب می‌شوند. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۰۵)

رویکرد شبکه‌ای از دو مزیت برجسته برای تبیین دقیق‌تر پدیده‌های منطقه‌ای برخوردار است. اول: ارتباطی دیدن پدیده‌ها و در کنار آن این رویکرد ابعاد ژئوپلتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر پدیده‌ها را در پیوند با یکدیگر می‌بیند. در رویکرد شبکه‌ای بازیگران دولتی و غیردولتی در پیوند عمودی و افقی با یکدیگر به پدیده‌های نوظهور پیش بینی ناپذیر شکل می‌دهند. برخی بازیگران غیردولتی به دلیل پیوندهای امنیتی و سیاسی محکمی که دارند می‌توانند از نقش کانونی در صورت بندی نظم‌های امنیتی برخوردار باشند. سیالیت و توجه به پویا قدرت در کنش ورزی‌های بین بازیگران دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف از جمله ویژگی‌های مثبت این رویکرد است.

پیوند سطح کلان (نظم جهانی) به سطح میانی و خرد با استفاده از تبیین‌های مبتنی بر گره‌های ارتباطی و تکثر پیوندهای چندجانبه سبب می‌شود تا دامنه عوامل تاثیرگذار بر شکل گیری پدیده‌ها و چگونگی مدیریت بحران‌های منطقه‌ای به خوبی روشن شود. گذار از تبیین‌های تک عاملی و بازیگر محور با استفاده از رویکرد شبکه‌ای و ارتباط محور امکان پذیر است. نگاه ارتباطی و پیوندی به قدرت و ارتباطی دیدن قدرت در قالب شبکه‌ای گسترده در چهارچوب موازنه هوشمند شبکه‌ای، نوآوری دیگری در مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای است که با استفاده از رویکرد شبکه‌ای امکان پذیر شده است. رویکرد شبکه‌ای در کنار ارتباطی دیدن قدرت منابع قدرت را نیز متنوع می‌بیند. منابع شناختی و مادی قدرت با استفاده از مدیریت گره‌های ارتباطی توانایی تاثیرگذاری بر سایر واحدها را جهت کسب نتایج مطلوب دارند. رویکرد شبکه‌ای ضمن دربرگیری منطق و منابع تحلیل سایر رویکردها به دلیل نگاه شبکه‌ای به تعاملات درون منطقه‌ای و پیوند آنها با پیوندهای فرامنطقه‌ای و اتصال سطوح مختلف تحلیل در جهت تبیین دقیق‌تر پدیده‌های منطقه‌ای برتری قابل توجهی نسبت به سایر رویکردهای پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه غرب آسیا دارد.

جدول شماره (۱): امتیازات تبیینی بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای		
امکانات مفهومی	مفروضات کلیدی	امکانات نظری در حوزه مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا

<p>✓ توضیح همزمان نحوه‌ی عملکرد ژئواکونومی و ژئوپلیتیک، صورت پیوندهای بین واحدهای دولتی و بین واحدهای غیر دولتی حاضر در شبکه نظم غرب آسیا.</p>	<p>✓ پیوندهای ارتباطی بین واحدها سبب شکل‌گیری نظم شبکه‌ای می‌شود. این نظم یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتار واحدها است.</p>	<p>✓ قدرت ارتباطی: تبیین ارتباطی قدرت به معنای تاثیرگذاری بر دیگران از طریق پیوندهای ارتباطی است.</p>
<p>✓ اتصال دو سطح نظم جهانی و منطقه غرب آسیا در قالب تبیین گره‌های پیوندی قدرت‌های جهانی و منطقه غرب آسیا و تبیین چگونگی مدیریت گره‌های ارتباطی درون منطقه‌ای توسط واحدهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای</p>	<p>✓ تاثیرگذاری واحدها بر یکدیگر و تعیین نتایج مطلوب از طریق بهره‌گیری از گره‌های ارتباطی متنوع (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر) صورت می‌پذیرد.</p>	<p>✓ موازنه هوشمند: برقراری موازنه بین دو و یا چند واحد دولتی و یا غیردولتی از طریق دست‌کاری در گره‌های ارتباطی</p>
	<p>✓ کانونی بودن برخی بازیگران در شبکه نظم به معنای این است که آن واحد سیاسی از تنوع و توانایی بالایی در داشتن گره‌های ارتباطی و تسلط بر آنها برخوردار است.</p>	<p>✓ مدیریت گره‌های ارتباطی: دست‌کاری در گره‌های ارتباطی و پیوندهای ارتباطی بین دو و چند واحد جهت کسب منافع مطلوب و دفع تهدیدات</p>

### نتیجه‌گیری

مقالات پژوهشی فارسی زبان در حوزه مطالعات غرب آسیا از تنوع بالایی در بهره‌گیری از رویکردهای پژوهشی برخوردار هستند. دو رویکرد کلان جریان اصلی و انتقادی هر یک با سه زیر شاخه نظری و در مجموع شش نظریه برای مطالعه ۸۲ مقاله علمی پژوهشی در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ مورد استفاده قرار گرفته شدند. نتایج پژوهشی به دست آمده بیانگر برتری رویکرد جریان اصلی و نظریه واقع‌گرایی در مطالعات منطقه پژوهشی غرب آسیا در بازه زمانی ذکر شده است. رویکرد جریان اصلی با ۵۶ درصد و نظریه واقع‌گرایی با ۳۴ درصد از میزان فراوانی در بین مقالات بررسی شده در صدر رویکردها و نظریه استفاده شده در مقالات منطقه پژوهشی غرب آسیا قرار دارند.

رویکرد پژوهشی شبکه‌ای رویکرد بدیل و پیشنهادی نگارنده برای تعمیق مطالعات منطقه پژوهشی غرب آسیا است. این رویکرد از امکانات تبیینی و مفهومی متنوعی برای دانش پژوهان و محققان حوزه مسائل امنیتی و فرهنگی-اقتصادی غرب آسیا برخوردار است. فرهاد قاسمی استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران یکی اولین محققانی بود که از رویکرد شبکه‌ای در مطالعات منطقه‌ای و روابط بین الملل استفاده نمود. قاسمی در دهه ۱۳۸۰ با انتشار آثار پژوهشی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای و سیستمی این رویکرد را به جامعه دانشگاهی کشور معرفی نمود.

نگاه شبکه‌ای و پیوندی به پدیده‌های منطقه‌ای و تبیین ارتباط محور پیامدهای امنیتی و چگونگی شکل‌گیری منازعات و فرآیندهای صلح‌آمیز منطقه‌ای در کنار پیوند سطوح کلان جهانی و منطقه‌ای در قالب شبکه‌ای هم‌پیوند و متداخل از جمله امکانات مفهومی و نظری این رویکرد جدید است. مفاهیمی مانند قدرت ارتباطی و موازنه هوشمند از جمله نوآوری‌های مفهومی این رویکرد پژوهشی در حوزه مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - نگارنده به همراه یکی از اساتید دانشگاه تهران با استفاده از رویکرد شبکه‌ای راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه را تبیین نموده است. مراجعه کنید به مقاله: قاسمی، فرهاد و عباسی خوشکار، امیر، ۱۳۹۷، پوشش قدرت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای: مطالعه موردی راهبرد امنیت ملی اسرائیل در جنگ داخلی سوریه ۲۰۱۹-۲۰۱۲، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳۹، پاییز.

## منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۲). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا؛ با تاکید بر دوران اوپاما»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۴، شماره ۷، بهار.
- بشیر، حسن (۱۳۸۸). «گفتمان خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان.
- بهرامی‌مقدم، سجاد (۱۳۹۷). «همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا-عربستان در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، شماره ۲۶، پاییز.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۷، شماره ۱، پاییز.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۳). «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره سوم، پائیز.
- زارعان، احمد (۱۳۹۵). «بازخوانی نظریه برخورد تمدن‌ها بر اساس تحولات خاورمیانه در دو دهه اخیر»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۹، بهار و تابستان.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۴). «ایترنت و انقلاب خاموش جوانان در خاورمیانه»، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۱، شماره ۴، زمستان.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۱، زمستان.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۹۶). «بررسی نقش دیپلماسی در تولید شناخت و جهان در شبکه خاورمیانه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲۳.
- عاملی، سعید (۱۳۹۵). «نظام جهانی جنسیت و سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه مطالعه موردی: دوره وزارت هیلاری کلینتون»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۸). «چهارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌انگاری»، مطالعات سیاسی زمستان، شماره ۶.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۳). «خاورمیانه شمالی: سازه‌ای جدید برای همکاری در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه، سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۱، بهار.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۹). «بررسی امنیت بین‌الملل: در گذر از نظریه واقع‌گرایی به نظریه پسانوگرایی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۴، زمستان.

عطار، سعید (۱۳۹۷). «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شماره ۲، تابستان.

قاسمی، فرهاد و عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۷). «پویش قدرت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای: مطالعه موردی راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه ۲۰۱۹-۲۰۱۲»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۰، شماره ۳۹، پاییز.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲). نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی، تهران: نشر میزان. کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۲). «دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۴، شماره ۲۳، پاییز.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱). «پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ۸، شماره ۳، پاییز.

مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه: حسین علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.

نامی، محمد حسن (۱۳۸۸). «تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ۵، شماره ۲، پاییز.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، سیاست خارجی، شماره ۶۸.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۰). تحولات جهان عرب: صورت بندی قدرت و هویت در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۲، تابستان.

Alcadipani, Rafael and Hassard, John (2010). Actor-Network theory, organizations and critique: towards a politics of organizing, *Organization* 17(4).

Bordeleau, E (2015). Bruno latour and the miraculous present of enunciation, In *breaking the spell: contemporary realism under discussion*, edited by A. longo and S.de sanctis, Milano: mimesis international.

Boschma, Ron (2009) Applying social network analysis in economic geography: framing some key analytic 1 issues, *The Annals of regional science* 43(3).

Fritsch, Michael (2013). Who are the knowledge brokers in regional systems of innovation? A multiactor network analysis, *Journal Regional Studies*, Issue 5, Volume 47.

Gilde, Lieke (2014). Social network theory in international relations research, see to <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=133127>

- Hennion, A, Muecky, Stephan (2016). from ANT to pragmatism: A journey with Bruno latour at the CSI, Volume 47, Numbers 2 & 3, Spring & Summer.
- Hobson, John M and Stephen Hobden (2002). Historical sociology of international relations, Cambridge: Cambridge university press.
- Maoz, Zeev (2012). How network analysis can inform the study of international relations, Conflict management and peace science.
- Masys, Anthony (2014). Networks and network analysis for defence and security, Springer.
- Passoth, Jan and Rowland, Nicholas (2010). Actor-Network state integrating actor-network theory and state theory, international sociology, Vol. 25(6), November.
- Ressler, Steve (2006). Social network analysis as an approach to combat terrorism: past, present and future research, <https://www.hsaj.org/articles/171>.
- Watts, Duncan J (2007). A twenty-first century science. Nature 445 (10).